



۲۰۲۰/۱۲/۲۷



ولی احمد نوری

باز هم نفرتی از ششم جدی روز شوم و ذلیل که تا زمین است و زمان است و جهان است نباید فراموش گردد

باز هم خاطره تلخ، درد ناک و منفور ششم جدی روز تجاوز قشون سرخ شوروی به کشور ما افغانستان است، که چهل سال قبل به اثر دنائت و خیانت گماشتگان دون صفت احزاب خلق و پرچم، خاصاً به تقاضای عناصر فاسد، نابکار و میهن فروش (حفیظ الله امین و ببرک کارمل) ملعون به وطن و ملت ما جنایت آفرید. این یاد بود دردناک و ذلت بار، ملت آزاده افغان را نه تنها می رنجاند، بلکه به ماتم می نشاند.

ماتم بیش از یک میلیون شهید (زن و مرد - پیر و جوان - اطفال معصوم) در برابر دیدگان ما ظاهر می شود که فقط به گناه کمونیست نبودن و نوکر شوروی نبودن و نپذیرفتن نظام کمونیستی در خدمت شورش گاو یا کودتای (ثور) آغاز و به اشغال کشور از طرف شوروی و آمدن ببرک کارمل (اصلاً کارغل) ملحد و سوادگر وطن و مردم بر تانک های شوروی انجام یافت.

ماتم میلیون ها افغان به کشورهای همسایه و اکناف و اقصای جهان که تا امروز بی وطنند و محتاج غیر. خاصاً آن عده مهاجرینی که در ایران و پاکستان رنج بی خانمانی، غربت، بیچارگی و توهین غیر را متحمل می شوند.

اگر ما نفوس افغانستان و نفوس فرانسه را در آوان جنایت ۷ ثور ۱۹۷۸ - ۱۹۸۶ مد نظر بگیریم، در سال ۱۹۷۸ نفوس افغانستان بنا بر احصائیه های ملل متحد تخمین شانزده میلیون بوده در حالیکه در همان سال کشور فرانسه دارای پنجاه و هشت میلیون نفوس بوده است.

حالا ببینیم که به خاطر کودتای ویرانگر و خانه برانداز ۷ ثور در پنج سال اول آن، چهار میلیون انسان آن کشور به خاطر نجات از مرگ، زندان، شکنجه، جنگ و انواع بی حرمتی ترک وطن گفته اند که ۲۵% نفوس مملکت را می سازد. آیا یک لحظه می توان تصور کرد که به اثر کودتای کمونیستی در فرانسه ۲۵% نفوس آن که بالغ بر پانزده میلیون فرانسوی می شد کشور خود را ترک بگویند؟؟ واقعاً می توان این مهاجرت سرسام آور یک بر چهارم یک ملت را به اثر جنایات باند های خلق و پرچم جنایت قرن ۲۰ خواند.

این ننگ و خجالت را باید هر فرد احزاب کمونیست (خلق و پرچم) بر پیشانی خود داشته باشد و دیگر کوشش نکند باز، بینی اش را در اداره و سیاست افغانستان داخل کند. در حالیکه چنین نیست و این بی ننگ ها در همه کشور های اروپایی خود را تنظیم کرده اند و برای باز گرفتن قدرت کنجاره خواب می بینند. ببرک کارمل به بسیار افتخار و مباحات در برابر کمره های تلویزیون ها گلو پاره می کرد و به این دوستانش خاناناه فریاد می زد که :



رفقا!

باید به صراحت به شما خاطر نشان سازم!!

کی، کیست؟؟؟

چگونه باید او را شناخت؟؟؟ انسان وطن پرست کیست؟؟؟ وطن پرست آتشین!!!

افغانستان انسان نوین!!!

انسان افغان نوین کیست؟؟؟ که وفادار به دوستی افغان و شوروی باشد!!!

این است ملاک افغان نوین وطن پرست!!!

** * **

خوانندگان عزیز!

لطفاً این ویدیو کلیپ را مشاهده کنید و جفنگیات این نامرد فروخته شده و خاک فروش را با گوش دل بشنوید و به هر تصویر او، به هر آواز کریه او و به هر گفته او لعنت بفرستید! بشنوید که این انسان لینن پرست، سنالین پرست و شوروی پرست چه می گوید و چه نوش جان میکند!؟

<https://www.youtube.com/watch?v=n۴ec۴kBzpNA>

او خود را هم‌رزم و دوست صدیق انسان زحمتکش می خواند و به زحمتکشان و عده خانه، نان و لباس می دهد ولی هر چه زحمتکش مخالف ایدیئولوژی منحطش بود کشت و سر به نیست کرد و به عوض خانه (گور) و به عوض لباس (کفن) و به عوض نان (مرمی) نثار شان می کرد.

زیر شعار خانه و نان و لباس، حیف

نی جامه و نه خانه و نی نان گذاشتی

گم کرده راهان او را مبارزین سرسپرده طبقه کارگر می خواندند، لیک وی هزاران کارگر مسلمان مخالف خود و حزب بدنام خود را به گناه کمونیست نبودن و خدا شناسی، مخصوصاً به گناه دوست شوروی نبودن بی رحمانه به کام مرگ فرستاد.

بلی ملاک افغان خوب و افغان وطن پرست نزد این تواریش کارغل، دوستی و اتحاد به اصطلاح با جماهیر شوروی بود. نه کدام ارزش دیگر. شما در ویدیو کلپ فوق شنیدید که او فریاد می زند که :

ملاک وطن پرستی دوستی با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است

او بیشرمانه از دوستی و حمایت از دهقان افغان می سراید و داد می زند در حالیکه همه دهاقین کشور ترک وطن گرفتند و به کشور های همسایه پناه بردند تا خود و زن و اولاد شان را از شر این بی وطنان که از وجدان و شرف آثاری در خود نداشتند، نجات بدهند.

کردی سرود برزگر و کارگر بلند

نی کارگر، نه کار و نه دهقان گذاشتی

او خود را وطن پرست پرشور و انترناسیونالیست پیگیر معرفی می کند و ما در مصاحبه اش با یک ژورنالیست افغان در حیرتان شنیدیم که بعد از شکست و برطرف شدن از طرف بادران شوروی اش در سال ۱۹۸۶م به همان انترناسیونالیست بودنش و دوستی به بادرش، شوروی هم خیانت می کند.

باید گفت که تنها ببرک کارمل قاتل صد ها هزار افغان افغانستان نیست بلکه همه اعضای این احزاب قاتل خلق و پرچم هر کدام به اندازه خویش مسؤولیت دارند و باید روزی در برابر ملت افغانستان پاسخ گویند!

بلی اینها تنها دانشمندان، شعراء، نویسندگان، انجیران و صائب نظران سیاسی افغانستان را نکشند بلکه همان دهقان و کارگر را که خود را مدافع آنها معرفی می کردند به نام مخالف خود و هزاران انسان بیگناه دیگر این وطن را فقط به جرم کمونیست نبودن و دوست شوروی نبودن کشتند. بلی اینها هزاران هموطن ما را اعم از دکاندار، نجار، گلکار، مزدورکار، کتاب فروش، ذغال فروش، چوب فروش، میوه فروش، کلچه فروش، لیلای فروش، قصاب، نانوا، سقاب، بایسکل ساز، رادیو ساز، ساعت ساز، سماوارچی، کهنه فروش، تکه فروش، دست فروش یعنی «لوانی»، دربور و کلینر و راننده تکسی، پیاده دفتر، کارمند دواخانه، نرس شفاخانه، خیاط، شاگرد خیاط، میخانیک، مستری، شاگرد مستری، تحویلدار، خانه سامان، آهنگر، وکیل گذر، خشکه شوی، هوتلدار، چوپان، سرایدار، تیکه دار، تعویذ نویس، زمیندار و ملا امام همه راکشته اند، مخصوصاً دهقان و کارگر و زارع و بیکار و غریبکار که برای دفاع از حقوق شان به اصطلاح انقلاب کرده بودند، به گناه کمونیست نبودن کشته اند. (مقاله جامع و سرایا درد و الم را تحت عنوان معرفی پنج هزار کشته که به قلم توانا و دانش رسای نویسنده عالی مقام و فرزند صدیق و عاشق افغانستان جناب دانشمند "رحمت آریا" رقم شده است در همین وبسایت خود تان بخوانید تا از این مقتولین و شهدایی که در بالا نام گرفتم به صد های آنرا با هویت شان دریابید.

دامنه ارتکاب جنایات علیه بشریت اینها در کشور مصیبت زده ما چنان وسعت دارد که با مبادلات چنین نوشته جات وحشت زده و توأم با دست پاچگی قابل دفاع و ترمیم نخواهد بود، همان طوری که دوست عزیزم جناب رحمن جان غوربندی فرموده اند، یکی از مستی و وارخطایی قهقهه می زند و دیگری با چهره کاملاً حق به جانب پا بر سر خون هزاران هموطن ما گذاشته و با خونسردی از آن چشم می پوشد.

آنچه که در پایان این نوشته می‌خواهم بیفزایم، این است که ما دگر در دورانی زندگی نمی‌کنیم که مجرمین از چنگ و تعقیب قانون فرار کرده بتوانند. مدافعین جنایت کاران هم باید منتظر مجازات خویش باشند، ولو هر ماسکی هم بر چهره بزنند.

در پایان از همه خوانندگان عزیز و گرانقدر خواهش می‌کنم مقالهٔ محترمه میرمن ملالی موسی نظام را که تحت عنوان اشغال افغانستان، فاجعهٔ المناک یک ملت ششم جدی ۱۳۵۸، روزی که افغانستان به اشغال اتحاد شوروی درآمد! لطفاً با دقت بخوانند.

در صفحه بعدی و اخیر، درد دهنده‌ترین و رنج‌آورترین فوتوهای زمان حکمرانی احزاب خلق و پرچم را در افغانستان می‌بینید و حق دارید که بر این قاتلین انسان و انسانیت لعنت با نفرت بفرستید.

حکایت دردناک این دو برادر افغان خود را که توسط عناصر بی‌وجدان و قاتل پرچمی (نه روس) به این حالت گرفتار شده‌اند، می‌توانید با لینک آتی مطالعه کنید.



http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Walinouri_abar_gol_wa_jenaayat_khalq_o_partsham.pdf



[برای مطالب دیگر ولی احمد نوری، اینجا کلیک نمایید.](#)